

# از معیارهای عقب‌نشینی نکرده‌ام

بهنام بهزادی در گفت‌وگو با «ایران»  
از تجربه نمایش «من می‌ترسم»  
در جشنواره فیلم فجر می‌گوید

نوشته محدثه واعظی پور

گفتن این جمله که «من می‌ترسم» یکی از مهم‌ترین فیلم‌های این دوره جشنواره است پیش از تماشای همه فیلم‌ها، کمی غیرحرفه‌ای و شاید ناعادلانه است. اما چهارمین فیلم بهنام بهزادی که کامل‌ترین فیلم او تا امروز است، تصویری تأثیرگذار و تکان‌دهنده از جامعه امروز ارائه می‌دهد. در این گفت‌وگو از اینکه برای خواننده درباره «من می‌ترسم» ذهنیت بسازم پرهیز کردم. با بهزادی درباره مسیر فیلمسازی و نگاهش به موضوع زنان و بحران‌های اجتماعی صحبت کردیم و حتی از فیلم «وارونگی» هم حرف زدیم؛ فیلمی که آن‌طور که شایسته‌اش بود، دیده نشد. «من می‌ترسم» خبر از جسارت فیلمسازی می‌دهد که با «تنهادوبار زندگی می‌کنیم»، پدیده جشنواره بیست و ششم لقب گرفت و امروز بعد از چند سال به پختگی رسیده است.

**شما کارگردان کم‌کاری هستید، این موضوع برای دوستداران فیلم‌هایتان یک امتیاز است و باعث شده با اشتیاق به تماشای فیلمی تازه از شما بنشینند. این کم‌کاری چقدر آگاهانه و چه اندازه محصول شرایطی است که به سینمای مستقل تحمیل شده. خصوصاً که بسیاری از فیلمسازان مستقل این روزها مشغول همکاری با نهادها و ارگان‌های مختلف هستند.**

این کم‌کاری اصلاً آگاهانه نیست. بعد از پایان هر فیلمی، تصمیم می‌گیرم فیلم بعدی را شروع کنم اما همان‌طور که اشاره کردید شرایط روز به روز پیچیده‌تر شده و این فاصله را اجتناب‌ناپذیر کرده است. فقط هم ماجرا، مربوط به تأمین سرمایه و مباحث مالی نیست. وقتی می‌خواهید فکر و ایده مستقلی دنبال کنید طبیعتاً موانع پیش روی شما بسیار است. بخشی از این وضعیت محصول نابرابری سازمان یافته در سینمای ماست که متأثر از فضای جامعه هم است. بله، جامعه ما بشدت به سمت قطبی شدن پیش می‌رود. برخی فیلم‌هایی که توسط نهادها و ارگان‌ها ساخته می‌شوند از یک کمپین

رسانه‌ای ویژه برخوردارند. این حمایت از تلویزیون شروع می‌شود و به رسانه‌های مکتوب و شبکه‌های مجازی می‌رسد. این امتیازها را با روابط و قدرتی که در ارکان وجود دارد، ترکیب کنید تا متوجه شوید سهم سینمای مستقل از این فضا چقدر اندک و محدود است.

**در این شرایط زمانی که با موانع روبه‌رو می‌شوید، انگیزه‌تان برای فیلمسازی را از دست نمی‌دهید؟ فکر نمی‌کنید فیلم ساختن را رها کنید؟**

به فیلم نساختن فکر نکرده‌ام، اما تصمیم جدی گرفته‌ام که این استقلال فکری و مالی را دست کم جدا کنم. استقلال فکری را اگر بشود حفظ کرد که خوب است و بخش مالی ماجرا را به یک تهیه‌کننده حرفه‌ای بسپارم. به این دلیل که بتواند از پروژه در مرحله تولید و ارکان حمایت بهتری بکند و من وقت آزاد بیشتری برای تمرکز روی کارگردانی داشته باشم.

**«من می‌ترسم» کامل‌ترین فیلم شما تا امروز است. قصه پرتعلیق و پرکششی دارد و ساختار آن کم‌ایراد است. چقدر روی فیلمنامه کار کردید؟**

کار روی فیلمنامه یک سال و نیم طول کشید. خانم سحر سخایی که نویسنده است، از مراحل اولیه ایده کنارم بود. قبلاً فیلمنامه را به تنهایی می‌نوشتم اما این بار، فصل به فصل را با هم می‌خواندیم، نکته‌هایی را اضافه می‌کردیم و بخش‌هایی که نمی‌پسندیدیم حذف یا اصلاح می‌شد. این شکل از کار یک امتیاز دارد، پرسش‌هایی که ممکن است بعدها تماشاگر بپرسد شما می‌پرسید و تلاش می‌کنید به آنها پاسخ بدهید. امیدوارم این روند، نتیجه خوبی برای مخاطب داشته باشد. در کنار خانم سخایی، محمدحسن شهسواری نویسنده و مدرس نویسندگی هم در این پروژه همراهم بود. او به عنوان اولین خواننده فیلمنامه در مراحل مختلف درباره متن، مشاوره می‌داد. به دلیل حضور این دوستان، در این فیلم با درام جاندارتری روبه‌رویییم.

**در فیلم «من می‌ترسم» با بازیگرهایی همکاری کرده‌اید که می‌توانند روی فروش فیلم و بیشتر دیده شدن آن نقش پررنگی داشته باشند. این محصول رویکردی تازه برای جذب مخاطب بیشتر است؟**

مهم‌ترین نکته برای من این است که بازیگر در نقش جابیفند. گاهی جنس بازیگر به شخصیت نزدیک است و گاهی، این نزدیک شدن در مرحله ساخت فیلم اتفاق می‌افتد. از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌هایم در فیلمسازی کوتاه نمی‌آیم، همچنین از اینکه بازیگر باید متناسب با نقش باشد و گرنه انتخابش نمی‌کنم. استفاده از بازیگرها اگر تضمینی برای بازگشت سرمایه و بیشتر دیده شدن فیلم باشد، امتیاز است.

**فیلم‌های شما، شاید در آن تعریف مرسوم از «سینمای اجتماعی»**

**دسته‌بندی نشوند، اما در همه آنها می‌توان حال و هوا و نشانی از مسائل اجتماعی را دید. اما «من می‌ترسم» شاید بیشتر از فیلم‌های قبلی متأثر از شرایط اجتماعی روز است. این بار به موضوع‌هایی مثل شبکه‌های اجتماعی، مهاجرت و... مستقیم اشاره کرده‌اید.**

به عنوان فیلمسازی که در این جامعه زندگی می‌کند و با آن ارتباط دارد، برایم مهم است تأثیری که از جامعه می‌گیرم در فیلم‌هایم نمود داشته باشد، برای من سینما وسیله سرگرمی صرف نیست. تلاش می‌کنم آن را آینه‌ای در برابر آنچه اطرافم رخ می‌دهد، قرار بدهم. این فیلم در سطح اولیه بیانگر مسائل و مواردی است که دقیقاً از دل جامعه برداشت شده و در سطح بزرگتر و سمبلیک، انعکاس مسائلی است که بسیاری از ما به نحوی با آن مواجهیم. برای من طرح چالش و ارتباط فردیت و مسائل اجتماعی دغدغه است.

**در پایان در «من می‌ترسم» هم نسبت به دیگر فیلم‌هایتان قطعیت بیشتری وجود دارد.**

اینجا با نوعی کاتارسیس تراژیک مواجهیم. به نظر من چیزی که ما را هوشیار می‌کند و لازمه وجود بشر است و در کنار کمدی و ملودرام،